

درباره ارجحیت پذیرش صادقانه شکست به فرصت طلبی سیاسی

راز بقای کارگزاران



فرهیختگان، حزب کارگزاران سازندگی کمتر از یک هفته فرصت دارد تا جریان اصلاحات را به جمع بندی برای حمایت یا عدم حمایت از عبدالناصر همتی در انتخابات ریاست جمهوری برساند. آنها دو فرصت مناظره را از دست دادند و نتوانستند با آموزش کتابه‌های سیاسی و حتی متن‌های ازپیش نوشته‌شده برای همتی، سید رای او را دچار تغییر محسوسی بکنند. شنبه آخرین فرصت این حزب سیاسی برای کسب اجماع بر سر کاندیدایش است. به همین دلیل هم کارگزاران تلاش می‌کند از تمام ظرفیت خود، برای تقویت جایگاه همتی استفاده کند. تیترو روز گذشته روزنامه سازندگی با عنوان «دوقطبی رئیسی- همتی» و اشاره به اینکه «نظرسنجی‌ها نشانگر افزایش لاک‌پشتی مشارکت مردم در انتخابات است و همتی و رئیسی بیش از دیگران با استقبال روبه‌رو شده‌اند.» در همین چارچوب قابل ارزیابی است. کارگزاران درحالی‌از چنین تیتری برای حمایت از همتی استفاده کرده که نظرسنجی‌ها میزان آرای رئیسی را بیش از ۵۰ درصد و میزان آرای همتی را کمتر از ۵ درصد پیش‌بینی کرده‌اند. باوجود این سطح از اختلاف و شانس پایین همتی برای پیروزی، حزب کارگزاران با این نگاه عاقلانه که هرگونه تغییر از صندوق رای می‌گذرد، درپی پیروزی کاندیدای حزب خود است. باوجود این، آنها دو روز دیگر فرصت دارند تا انتخابات سال ۱۳۹۲ را بازآفرینی کنند، اما جدا از فقدان هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان موثرترین عنصر در تغییر وضعیت انتخابات سال ۹۲، کارگزاران با مشکلات اساسی دیگری نیز مواجه است.

اولین مشکل، شخص عبدالناصر همتی است. او با مجموعه‌ای از محدودیت‌های فردی و سیاسی مواجه است. در بخش محدودیت‌های فردی، او هیچ شباهتی به حسن روحانی ندارد. در انتخابات سال ۹۲، روحانی برای بسیاری از توده‌ها، چهره ناشناخته‌ای بود و همین به او کمک کرد تا با ادبیات متفاوت و فاصله گرفتن از سیستم، اقبال عمومی را به خود جلب کند. اما همتی حداقل به‌واسطه حضورش در این دولت، چهره ناشناخته‌ای برای مردم نیست. جدای از این همتی گرچه تلاش می‌کند از ادبیاتی شبیه به روحانی استفاده کند، اما واقعیت این است که او فاقد تمام ویژگی‌هایی است که روحانی با کمک آنها توانست در سال ۹۲ موردتوجه قرار گیرد. او قدرت بیان و شیوه سیاست‌ورزی روحانی را ندارد تا آن، ورق مناظره را برگرداند. در حوزه محدودیت‌های سیاسی، روحانی از ابتدای انقلاب در قدرت حضور داشته، ولی همتی تنها سرگرم بیمه و بانک بوده و کسی آنچنان نقشی در قدرت برای او درنظر نمی‌گرفته است. محدودیت دوم که از همه مهم‌تر است، حضور او در دولت روحانی بوده است. بدون کمک و همراهی همتی دولت نمی‌توانست با حقه مردم را به بورس بکشدن و جیب آنها را خالی کند؛ نمی‌توانست قیمت دلار را بالا ببرد و نمی‌توانست نقدینگی‌یی سابقه‌ای را بر کشور تحمیل و مردم را روزبه‌روز فقیرتر از دیروزشان کند. برای افکار عمومی پذیرفته نیست فردی که سه دهه اخیر در بالاترین سطح حوزه بیمه و بانک بوده و در دولت روحانی ریاست بانک مرکزی را برعهده داشته، در وضع امروز مقصر نباشد. شاید مهرعلیزاده نه، ولی همتی نماینده و نماد وضع موجود است و به‌سادگی نمی‌تواند خود را از دولت روحانی و عملکردش جدا کند.

هنوز مشخص نیست آیا همتی با این محدودیت‌ها می‌تواند موفق شود و حمایت اصلاح‌طلبان را به دست بیاورد یا خیر، اما به‌رحال کارگزاران با حضورش در انتخابات، صداقت خود

را در پابیندی به دموکراسی نشان داده است. تکنوکرات‌های کارگزارانی به این سطح از بلوغ سیاسی رسیده‌اند که نتیجه انتخابات گاهی منجر به پیروزی یک جریان و گاهی شکست آن می‌شود و بر همین اساس نیز چه در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در اسفند ۹۸ و چه انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم، فعالانه وارد رقابت شده‌اند. اما جریان اصلاح‌طلب که کارگزاران امید به حمایت آنها دارند، چه خواهند کرد؟

فرمان اصلاحات در دست چپ‌های افراطی

اصلاح‌طلبان که با نهاد اجماع‌ساز وارد پروسه انتخابات شدند، پس از عدم احراز صلاحیت کاندیداهاشان توسط شورای نگهبان بلافاصله اعلام کردند به دلیل اینکه در انتخابات کاندیدایی ندارند، از هیچ فردی حمایت نخواهند کرد. البته نباید این نکته را نیز ازنظر دور داشت که قرارگرفتن مصطفی تاج‌زاده که در جریان اصلاحات به یکی از تندترین چهره‌های سیاسی مشهور است در جایگاه سوم پس از محمدجواد ظریف و اسحاق جهانگیری، می‌توانست بیانگر برنامه اصلاح‌طلبان برای انتخابات ۱۴۰۰ باشد. در انتخابات سال ۹۲، کارگزاران سازندگی حامی روحانی بود، اما پس از به‌میدان آمدن هاشمی‌رفسنجانی و حمایت او از روحانی بود که سیدمحمد خاتمی و جریان اصلاحات با بررسی شرایط، از او حمایت کردند و نتیجه انتخابات به شکل دیگری رقم خورد، اما اکنون نه هاشمی‌ای در میان است و نه به‌نظر شرایط همچون سال ۹۲ است. جریان اصلاحات در شرایط فعلی بر سر این دوراهی مستاصل مانده است که آیا ورودش به انتخابات، منجربه تکرار سال ۹۲ خواهد شد یا اینکه شکست انتخابات مجلس سال ۹۸ بازآفرینی می‌شود؟ محدودیت‌های فردی و سیاسی همتی و شرایط موجود نشان می‌دهد که بعید است شرایط مشابه سال ۹۲ باشد و همتی بتواند با چند کنایه و ترساندن مردم از دیگری

شرایط را تغییر دهد. علاوه بر این، نباید وضعیت پایگاه اجتماعی رانیز در محاسبات نادیده گرفت. در سال ۹۲، بدنه اصلاح‌طلب پس از شکست سسنگین در ریاست‌جمهوری ۸۸ و ناکامی در مجلس ۹۰، در تکاپو برای مشارکت در انتخابات بود، اکنون اما مشکل این است که آن بدنه به دلیل همین رایبی که داده است، سرخورده شده و حاضر به آمدن پای کار نیست. با پذیرش این وضعیت، اما آیا چاره اصلاح‌طلبان عدم مشارکت در انتخابات است؟ برای پاسخ به این سوال شاید بهترین راه مقایسه رفتار انتخاباتی اصلاح‌طلبان در سال‌های ۹۲ و ۹۸ باشد.

چپ‌های تندرو در رأس کارند

در سال ۹۲ پیروزی حسن روحانی، کمک قابل‌توجهی به اصلاح‌طلبان برای بازتولید خود پس از انتحار سال ۸۸ کرد. آنها سال ۹۴ مجلس و سال ۹۶ شورا و ریاست‌جمهوری را قبضه کردند و از مزایای قدرت نیز بهره بردند. بازگشت تحریم‌های آمریکا و آسوده‌خیالی دولت و اصلاح‌طلبان کار دست آنها داد و درنهایت با تصمیم فاجعه‌بار بنزینی دولت، همه چیز تغییر کرد. در انتخابات سال ۹۸ مجلس که در دوم اسفندماه برگزار شد، اصلاح‌طلبان به بهانه ردصلاحیت برخی از نمایندگان لیست امید تهران، حاضر به حضور رسمی در انتخابات نشدند. ایین اتفاق افتاده بود، اما دلیل اصلی اصلاح‌طلبان برای عدم شرکت در انتخابات، به موضوع مهم‌تری مربوط بود که بعدها غلامحسین کرباسچی آن را افشا کرد. او در مناظره با مصطفی تاجزاده که در سالنامه روزنامه سازندگی منتشر شد گفت که در جلسات اصلاح‌طلبان بعضی از افراد جناح چپ مدعی بودند که در انتخابات نیرو نداریم اما «وقتی موضوع مقداری احصا شد و فضای بازاری به‌وجود آمد» آنها اقرار کردند که «اصل مساله اینکه مردم رای نمی‌دهند و شرکت فعال ندارند به‌علت عملکردضعیف اصلاح‌طلبان است. طرفداران ما کسانی هستند که ناراضایی در سطح آزاد زیاد است. براساس نظرسنجی‌ها

میزان مشارکت پایین خواهد بود، بنابراین حرفی که می‌گفتند به‌دلیل ردصلاحیت‌ها ما کسی را نداریم، تبدیل شد به اینکه چون مردم به ما رای نمی‌دهند، یعنی درواقع کسانی که شرکت می‌کنند رای نمی‌دهند.» به هر دلیلی بود جناح تندرو اصلاح‌طلب توانست سایرین را به این نتیجه برساند که در انتخابات به‌صورت رسمی شرکت نکنند. آیا این تصمیم درست بود؟ آنها در انتخابات شرکت نکردند و بدنه اجتماعی خود را پسای صندوق رای بیاوردند تا در تهران لیست ۳۰ نفره بدون هیچ چالشی رای بیاورد و در سایر نقاط کشور نیز جناح مخالف اصلاح‌طلب پیروز شود. هرچند برخی از اصلاح‌طلبان ازجمله کارگزاران سازندگی و چند حزب دیگر لیستی ۳۰ نفره برای مجلس تدوین کردند، اما به‌دلیل همراهی جریان اصلاح‌طلب با کسانی که به‌دنبال تحریم انتخابات بودند، بدنه اجتماعی آنها پای صندوق رای نیامد. اکنون اما همان جریانی که سال ۹۸ در تهران رقابت برای ۳۰ کرسی را از دست داد و حاضر نشد در انتخابات شرکت کند، بر سر یک کرسی نمایندگی تهران که به‌دلیل فوت مرحومه فاطمه رهبر خالی شده است، در تکاپو هستند تا هرطور شده، یک اصلاح‌طلب را از تهران وارد مجلس شورای اسلامی کنند. اگر اصلاح‌طلبان این تکاپورادر انتخابات سال ۹۸ کرده بودند، شاید یک‌سوم نمایندگان تهران متعلق به این جناح سیاسی می‌شد.

تجربه تلخ افراط

این شیوه کنش سیاسی می‌تواند درس خوبی برای سران اصلاحات باشد. آنها رقابت بر سر تصاحب نزدیک به ۳۰۰ کرسی را رها کردند و اکنون با فانوس در پی کسب یک کرسی در مجلس یازدهم افتاده‌اند. این وضع به‌خوبی می‌تواند بیانگر این باشد که آیا مشارکت در انتخابات تصمیم‌درستی است یا عدم‌مشارکت در انتخابات به بهانه ترس از شکست؟ رفتار اصلاح‌طلبان در انتخابات‌ها نشان داده که آنها عمدتا به

علی صوفی، عضو حقیقی نهاد اجماع‌ساز اصلاح‌طلبان در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

استراتژی اصلاحات تکرار انتخابات ۹۸ است

نگرفته است؛ چرا که مهرعلیزاده و همتی در طرح گزینش کاندیدا‌های جبهه اصلاحات ورود نکرده بودند و بنابراین جزء آن ۹ نفر حساب نمی‌شدند.

نامه مهرعلیزاده سر از رسانه‌ها درآورد

البته بعد تایید شورای نگهبان، همتی و مهرعلیزاده اعلام آمادگی کردند که برنامه‌های خود را به جبهه اصلاحات ارائه دهند. بسیاری معتقد بودند مواضع آنها در مناظره ممکن است اصلاح‌طلبان را مجاب به حمایت کرده باشد. این را قبول دارید؟

تلاشی صورت گرفته که ناقص است؛ به‌طور نمونه نامه‌ای از مهرعلیزاده در رسانه‌ها پخش شد که هنوز جبهه اصلاحات از آن نامه بی‌خبر بود یا گفته شد که همتی و مهرعلیزاده درخواست حضور در جبهه اصلاحات را داشته‌اند که با آن اطلاعیه در تعارض است. قرار بود طرحی سه‌مرحله‌ای در جبهه اصلاحات اجرا شود که تنها یک مرحله آن اجرا شد، درحالی‌که طبق مرحله آخر نامزدهای جریان اصلاحات باید با دوسوم رای انتخاب می‌شدند، لذا این مرحله به‌بعد از تایید صلاحیت شورای نگهبان و نظرسنجی از رای مردم موکول شد، اما همه آن ۹ نفر حذف شده و کلا موضوع منتفی شد.

یعنی مناظره‌ها در بازنگری اصلاح‌طلبان در این طرح اثری نداشته است؟
مناظره‌ها باید در مردم اثر داشته باشد. اصل مساله این است که هر اقدامی ازسوی کاندیدا به شرطی در جبهه اصلاحات موثر است که بر مردم اثر گذاشته باشد و درآنی این نهاد را قانع کند، اما این موضوع هنوز مشخص نیست. ازسوی دیگر آخرین نتیجه‌ای که از نظرسنجی‌ها به‌دست آمده امیدوارکننده نیست و نشانی از تغییر در وضع کاندیداها دیده نمی‌شود. در هرحال برای اصلاح‌طلبان معیار و ملاک نظر مردم است که با نظرسنجی مشخص می‌شود.

مریم عاقلی
 روزنامه‌نگار

اصلاح‌طلبان در انتخابات چه خواهند کرد؟ آیا آنها رفتاری مشابه سال ۹۲ خواهند داشت یا اینکه مثل انتخابات مجلس یازدهم، بدون حضور رسمی در انتخابات، نتیجه را واگذار می‌کنند؟ در این باره با علی صوفی، دبیرکل حزب پیشرو اصلاحات و عضو حقیقی نهاد اجماع‌ساز اصلاح‌طلبان گفت‌وگو کرده‌ایم. صوفی ضمن اشاره به رویکرد اصلاح‌طلبان در انتخابات سال ۹۸ آن را سرحلوه این جریان برای سال ۱۴۰۰ توصیف کرده است. او با این حال گفته که نظرسنجی‌ها برای اصلاح‌طلبان مهم است و با این گفته، تلویحا حمایت از همتی یا مهرعلیزاده را به عملکرد آنها در مناظرات و میزان اقبالی که به‌دست آورده‌اند، منوط کرده است. او گفته «اگر مردم به انتخابات رغبت نشان دهند، اصلاح‌طلبان هم پشت‌سر آنها خواهند آمد و اعلام خواهند کرد به کدام کاندیدای رای بدهید.» مشروح این گفت‌وگو در ادامه آمده است.

باتوجه به آخرین موضع گیری اصلاح‌طلبان برای انتخابات ریاست‌جمهوری پیش‌رو، تحلیل شما از فضای کلی اصلاح‌طلبان چیست؟ آیا اصلاح‌طلبان از همتی و مهرعلیزاده حمایت می‌کنند؟ آیا کارگزاران می‌خواهد راهی جدا از تصمیم نهاد اجماع‌ساز برود؟

آخرین واکنشی که جبهه اصلاح‌طلبان نسبت‌به انتخابات نشان داد، همان اطلاعیه‌ای بود که بعد از ردصلاحیت‌ها صادر و اعلام کرد ما در این انتخابات کاندیدایی نخواهیم داشت. پس از آن نیز مجمع روحانیون مبارز در تایید همین موضع جبهه اصلاحات بیانیه‌ای صادر کرد. درحال حاضر در رابطه با همتی و مهرعلیزاده جبهه اصلاحات تصمیم جدیدی

انتخابات نگاهی منفعت‌گرا دارند و اگر بدانند پیروز رقابت نمی‌شوند، بهانه عدم‌شرکت در انتخابات را پیدا می‌کنند و اگر هم شرکت کردند و پیروز نشدند، یا ادعای تقلب در انتخابات می‌کنند و یا از بهانه‌های دیگر همچون رای پوپولیستی و... می‌گویند. در اسفند ۹۸ آنها به‌میدان نیامدند و بدنه اجتماعی خود را نیز از مشارکت بازداشتند، زیرا احتمال می‌دادند مردم به آنها روی خوش نشان نمی‌دهند و شکست می‌خورند. حالا آنها فهمیده‌اند که چه اشتباه‌بزرگی کرده‌اند، اما آیا جریانی که اصلاح‌طلبان را به این سمت هدایت کرده، اجازه خواهد داد در ۱۴۰۰، اصلاح‌طلبان ولو با احتمال شکست، وارد فرآیند انتخابات شوند؟ تا روز چهارشنبه که همتی هنوز نتوانسته اقبال قابل توجهی را به خود جلب کند، این موضوع منفی است و بر همین مبنا نیز نهاد اجماع‌ساز با حضور دو کاندیدای اصلاح‌طلب برای ارائه برنامه‌هایشان موافقت نکرده است. این خبر را حسن رسولی، عضو نهاد اجماع‌ساز اصلاح‌طلبان، به برنا داده و گفته «من و بهزاد نبوی معتقد بودیم که این دو کاندیدا می‌توانند برای اعلام برنامه به نهاد اجماع‌ساز بیایند و برنامه آنها بررسی شود، اما مجمع عمومی نهاد اجماع‌ساز با رویکرد ما مخالف بود و درنتیجه اجازه حضور به مهرعلیزاده و همتی داده نشد.» درحالی این نهاد اجازه ارائه برنامه را به این دو اصلاح‌طلب نداده است که حتی متن‌های از پیش نوشته شده دو کاندیدا نیز توسط اصلاح‌طلبان نوشته شده است. در ستاد همتی اگرچه مدیریت در دست کارگزارانی‌ها و احزاب همسو است، اما در ستاد مهرعلیزاده، حزب افراطی اتحاد ملت و شخصیت‌هایی همچون مصطفی تاج‌زاده زمام امور را برعهده دارند. شاید همین شیوه عملکرد نیز باعث‌شده تا محمد قوچانی، سردبیر روزنامه سازندگی در آسیب‌شناسی اصلاح‌طلبان بنویسد «متأسفانه اصلاح‌طلبان نه‌تنها همراه پایگاه اجتماعی خود حرکت نکرده‌اند، بلکه به‌دنبال‌ه‌روی اجتماعی به شیوه‌ای فرصت‌طلبانه روی آورده‌اند» و از ضرورت بازسازی جبهه اصلاحات در دست «چهار منظر طبقاتی، گفتمانی، تشکیلاتی و انتخاباتی» سخن بگوید. اشاره قوچانی به درگیری دیرینه‌ای است که بین طیف راست و چپ افراطی اصلاح‌طلب در گذشته وجود داشته و دربره‌های کاهش یافته و اکنون نیز دوباره درحال گسترش است. کارگزارانی‌ها معتقدند حزب اتحادملت که نزدیک‌ترین ارتباط را با خاتمی دارد و خاتمی نیز تحت تاثیر نظرات و افکار این حزب است، نقش پدرسالارانه را در جریان اصلاحات ایفا می‌کند. فائزه هاشمی در این باره گفته: «مواردی بوده که کارگزاران با خاتمی در موضوعی بحث کرده‌اند، پیشنهاد دیگری داده‌اند، اما ایشان بدون منطق آن را قبول نکرده یا منطق ضعیفی داشته که قابل قبول نبوده است.» این مساله اما مسبوق به سابقه است، به‌طوری‌که غلامحسین کرباسچی با ذکر خاطره‌ای از دیدار با خاتمی در سال ۸۷ گفته است: «ما در آن روز معتقد بودیم بسیاری از دوستان معروف به طیف چپ که در کنار خاتمی هستند، تجربه و بینش لازم را برای اداره صحیح کشور ندارند و نوع نگاه‌های صرفا سیاسی آنها می‌تواند کشور را به‌سوی بن‌بست‌های جدی سوق دهد.» حالا این طیف که در انتخابات ۹۸، شکستی سنگین را بر جبهه اصلاحات تحمیل کرده و اکنون اصلاح‌طلبان آرزوی کسب یک کرسی‌ی تهران را دارند، قصد دارد انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ را نیز بر پایه محاسبات منفعت‌گرایانه ذهنی خودش پیش ببرد و اصلاح‌طلبان را به‌سمتی برده که از اصل انتخابات و پس از آن از اصل نظام نیز عبور کنند.

از مهرعلیزاده حمایت نمی‌کنیم

در این دوره دو کاندیدا حضور دارند؛ یک کاندیدا همتی از حزب کارگزاران و کاندیدای دیگر مهرعلیزاده از حزب پیشرو اصلاحات یعنی از حزب ماست. او عضو شورای مرکزی حزب پیشرو اصلاحات است، ولی این حزب بیانیه‌ای داد و اعلام کرد تابع جبهه اصلاحات هستیم و ما کاندیدای دیگری نداریم، لذا اکنون تکلیف این دو کاندیدا از این نظر مشخص نیست و باید ببینیم در مناظره آخر و روند نظرسنجی به کدام سمت می‌رود. آیا به‌سمتی خواهد رفت که جبهه اصلاحات را قانع کند که کاندیدا بدهد یا خیر؟

نتیجه انتخابات برای اصلاح‌طلبان مهم است

یعنی نتیجه‌گیری برای اصلاح‌طلبان مهم است؟

بله، نتیجه برای جبهه اصلاحات صددرصد مهم است، بنابراین تعیین‌کننده مردم هستند و اگر مردم رغبت نشان دادند، اصلاح‌طلبان هم پشت‌سر آنها خواهند آمد و اعلام خواهند کرد به کدام کاندیدای رای بدهید، ولی اگر مردم نمی‌خواهند رای بدهند موضوع منتفی است و اصلاح‌طلبان برای چه کاندیدا معرفی‌کنند؟

بنابراین تا الان اصل بر این است که ۹ کاندیدایی که منتسب‌به اصلاح‌طلبان بودند ردصلاحیت شده‌اند و کاندیدایی ندارند و از این‌رو نمی‌توانند کاندیدایی معرفی‌کنند.